



تاجیکستان میهمان ویژه نمایشگاه کتاب



وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در آیین رونمایی از پوستر سی و چهارمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب، از ویژگی‌های منحصر به فرد نمایشگاه کتاب تهران در منطقه گفت.

محمد مهدی اسماعیلی افزود: این نمایشگاه به لحاظ ابعاد و کیفیت به رویدادی کم‌نظیر بدل شده

و این شکوه مختص جامعه فرهنگی و اصیل ایرانی است که از سابقه تمدنی چندین هزارساله برخوردار است. او خاطر نشان کرد: نمایشگاه امسال بیشترین وسعت را نسبت به گذشته به خود اختصاص داده است. از سوی دیگر بخش بین الملل آن با حضور پرشور نمایندگان از کشورهای مختلف دنیا برگزار می‌شود و کشور تاجیکستان نیز میهمان ویژه این دوره خواهد بود.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی همچنین تکمیل چرخه حمایتی وزارت فرهنگ از حوزه نشر و کتاب را دیگر وجه تمایز نمایشگاه کتاب امسال نسبت به گذشته برشمرد و گفت: امسال دویست کتاب فروش در نمایشگاه حضوری فعال دارند و تعداد نهادهای مشارکت‌کننده نیز افزایش چشمگیری داشته است.

نویسنده‌ای که یک نام را به رمان تبدیل می‌کند



هاروکی مورا کامی به عنوان استاد مدعو به مدت یک سال در کالج ولزلی ماساچوست اقامت و تدریس می‌کند. به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از آسوشیتدپرس، کالج ولزلی آمریکا به مدت یک سال میزبان هاروکی مورا کامی، نویسنده مشهور ژاپنی، به عنوان استاد ممتاز مدعو این دانشگاه در رشته علوم انسانی برای سال ۲۰۲۳-۲۰۲۲ است. او به عنوان یکی از مشهورترین نویسندگان بین‌المللی با دوازده رمان و چندین مجموعه داستان کوتاه و چندین اثر غیرداستانی که همه آن‌ها از زبان اصلی به بیش از پنجاه زبان دنیا ترجمه شده‌اند و سبک و نثری که ترکیبی از سادگی و سوررئالیسم و مسائل فلسفی است خوانندگان هر سنی را به خود جذب می‌کند.

این نویسنده در ترم اول سال افزون بر حضور در همایش هیئت علمی دانشگاه یادشده، در دو دوره با عنوان «هاروکی مورا کامی و ادبیات مدرن ژاپنی» شرکت کرده است. در این کلاس با خواندن نیمی از رمان های اصلی مورا کامی در کنار مقاله‌های کوتاه و آثار غیرداستانی، نحوه فضاسازی و جهان او بررسی شده است. مورا کامی در صحبت با دانشجویان درباره فضای داستان‌هایش گفته‌است که کتابخانه‌ها ایستگاه‌های اصلی اغلب آثار او هستند. او اظهار کرده که گاهی نوشتن داستان را از آغوشش شروع می‌کند و یک چالش داستانی متناسب با آن می‌سازد. «کافکا در کرانه» یکی از رمان‌های اوست که ابتدا عنوانش خلق شد و بعد داستان بر مبنای عنوان شکل گرفت.

این نویسنده ژاپنی درباره چگونگی خلق شخصیت زن داستان‌هایش هم معتقد است در وجود هر مرد یک عامل زنانه هم هست و هر زنی هم یک مرد درون خود دارد و برای اینکه او بتواند شخصیت زن را بنویسد باید عامل زن درون وجودش را پیدا کند و به زبان او سخن بگوید.

سخنرانی بعدی مورا کامی درباره نوشتن در دوران کووید و جنگ است که شامل پرسش و پاسخ هم خواهد بود. او درباره موضوع این سخنرانی گفته است: من فقط یک نویسنده‌ام و تنها چیزی که واقعا درباره آن می‌دانم نوشتن است. پس احتمالا در سخنرانی بعدی هم در همین باره صحبت می‌کنم.

زین قنبر

- ناوبراسته✖**

مصطفی بحرینی، دادستان شیراز، اعلام کرد که فردی در میمند در شهرستان فیروزآباد، در پی موافقت نکردن خانواده با ازدواج پادختر مورد علاقه‌اش، با اسلحه کمری شوهر خواهر خود پدر و مادر این دختر را به قتل رسانده و مادر خود را نیز مجروح کرده و سپس خودکشی کرد.

نکته

واقعیت این است که این خبر رانمی توان ویرایش کرد؛ چون کژتابی متن به حدی است که نمی‌شود رابطه و نسبت جمله‌ها را به درستی فهمید. آیا این مرد با اسلحه کمری شوهر خواهرش، پدر و مادر دختر مورد علاقه‌اش را کشت یا با اسلحه کمری، شوهر خواهرش، پدر و مادر دختر مورد علاقه‌اش را کشت؟

این قاتل در پی موافقت نکردن کدام خانواده دست به چنین اقدامی زده‌است؟ خانواده خودش یا خانواده دختر؟

ضعف در نوشتن، جمله‌بندی نادرست، نداشتن جایگاه ارگان جمله و درازنویسی مهم‌ترین دلایل کژتابی‌های از این دست است.

#زین_قنبر_پارسی

شهر



فرهنگ و ادبیات

نقاره می‌زند توس

سروده‌های کلاسیک از شاعرانی که به امام هشتم^(ع) عرض ارادت کرده‌اند

سنابادی

ادبیات منظوم ما و آفرینندگان آن، ید طولایی در ستایش بزرگان دارند. این مدح‌گویی‌ها اگرچه گاهی در گران‌بهای دری‌راه خوش خدمتی شاهان و حاکمان و اهالی قدرت هدر داده‌است، در زمان‌هایی نیز از دل برآمده و لاجرم باید به دل بنشینند. شاید برجسته‌ترین ستایش‌های منظوم برخاسته از



- ابن یمین** فریومدی، شاعر سده هشتم هجری گوهر افشان کن ز جان ای دل که می‌دانی چه جاست مهبط نور الهی روضه پاک رضاست در دریای فوتوت گوهر کان کرم آنک شرح جود آباء کرامش هل اتاست ظلمت و نور جهان عکسی ز موی و روی اوست موی او واللیل اذا یغشی و رویش والضحاست قبه گردون ندارد قدر خاک در گهش یارب این فردوس اعلی یا مقام کبریاست سرمه‌ئی از خاک پای او کشیدست آفتاب موجب این دالم که عینش منبع نور و ضیاست اوست بعضی از وجود آنکه در معراج قدس گرد نعل مرکبش روح الامین را توتیاست قلب می‌گردد روان از بوی خاک در گهش خاک نتوان گفتنش ز روی عزت کیمیاست قبه پر نورش از رفعت سپهر دیگرست و اندرو ذات پر انوارش چو مهر اندر سماست رفعت گردون گردان دارد آنکه بر سری مجمع تقوی و عصمت مرکز صدق و صفاست حاسد ار شناسدش ز روی رفعت کیست او پادشاه اتقیا و ازکیا و صفیاست قره‌العین نبی فرزند دل‌بند وصی

- مظهر الطاف ایزد فخر اصحاب عباست مقتدای شرق و غرب و پیشوای بر و بحر خود چنین باشد کسی کو نور پاک مصطفاست هست مخدوم بحق اهل جهان را بهر آنک وارث آنست کو را بر جهان حق ولاست وارث شاهی که از تشریف خاص مصطفی کسوت من کنت مولاہ بقد اوست راست[...]
- شادروان** غلامرضا شکوهی ذکر یابوس شما از لب باران می‌ریخت ابر هم زیر قدم‌های شما جان می‌ریخت هر چه درد است به امید دوا آمده بود از کف دست دعای همه درمان می‌ریخت عطر در عطر در ایوان حرم می‌پیچید بر سر دوش همه ژلف پریشان می‌ریخت نور در آینه‌های حرمت گل می‌کاشت از نگاه در و دیوار گلستان می‌ریخت روی انگشت همه شوق دعا پَر می‌زد از ضریح دلتان آیه احسان می‌ریخت چشم در قاب مفاتیح تو را خط می‌پُرَد روی اسلیمی لب نام تو طوفان می‌ریخت بس که در کوچه دیدار غریب آمده بود در شبستان حرم شام غریبان می‌ریخت

دل در ادبیات فارسی ایباتی باشد که ادای دینی است به شکوه و جایگاه قدسی چهارده معصوم^(ع). سروده‌هایی که عمدتاً پس از غیبت آخرین امام خلق‌شده‌واز این‌رو، جز در مقاطعی، شاعرانش طمع دنیوی نداشته‌اند و شائبه بی‌صداقتی درباره آن از ذهن نمی‌گذرد. امام هشتم تنها معصومی است که مزارش خاک ایران را آراسته است و از این‌رو، شاعران این سرزمین چه بسیار عرض ارادت‌شان را در جامه واژگان منظوم به آستان حضرت بروز داده‌اند. در چهارشنبه امام‌رضایی

- روز بر قامت خورشید فلک، شب در ماه نور از چشمه خورشید خراسان می‌ریخت (محمدجواد غفوززاده (شفق))
- یا آنکه بخوانید به بالین پسرَم را یا بر سر زانو بگذارید سرَم را شب تا به سحر چشم به راحم که نسیمی از من ببرد سوی مدینه خیرم را کی باور من بود که از آن حرم پاک یک روز جدا گردم و بندم نظرم را مجبور به تودیع حرم بودم و ناچار در سایه اندوه نشاندم پسرَم را هنگام خداحافظی از شهر، عزیزان شستند به خواب جگر رهگذرم را گفتم همه در بدر قه‌ام اشک ببارند شاید که نبینند از آن پس اثم را دامنم از این منظره پر اشک شد اما گفتم که نبیند پسرَم چشم ترم را با کس نتوان گفت ولیعهدی مأمون خون کرده دلم را و شکسته کمرم را من سر به ولیعهدی دوانان نسپارم بگذارم اگر بر سر این کار سرم را تهمت زچه بندید به انگور، که خون کرد

چهل ودومین نشست «دوشنبه‌های پردیس کتاب» با مرور آثار زولفو لیوانلی برگزار شد

سیراب از منابع سرشار فرهنگ فارسی



که گذرنامه‌ای خاص است.

- جنایت‌های هولناک سلطان عثمانی

بعد از استقرارش در ترکیه و رفع مشکلاتش، اولین رمانش را می‌نویسد که رمانی تاریخی است. این اثر درباره بخشی خون‌بار ترسناک‌از تاریخ عثمانی است و باعنوان «میان تخت و گور» به فارسی ترجمه شده‌است. عنوان اصلی‌آن «خواجه کسن‌تاتینوپل» است و داستان یک خواجه درباری را روایت می‌کند. در هیچ جای کتاب به صراحت از شاهان عثمانی نام برده نمی‌شود و حتی شخصیت اصلی هم نام ندارد. لیوانلی اگرچه دخالت‌هایی دراماتیک در تاریخ کرده است، توانسته ترسناکی آن دوره را به ما منتقل کند. برای نمونه، از یکی از پادشاهانی می‌گوید که نوزده برادر کوچک‌تر از خودش را می‌کشد. این سلطان عثمانی فرزندان و برادرانش را برای پیشگیری از تهدیدات آن‌ها یا کور می‌کرده یا می‌کشته است.

- گذرپوست به دباغ خانه می‌افتد!

رمان بعدی‌او «خاطره‌برف» داستان تعدادی مهاجر ترک در سوئد است. این نویسنده از پُحد شیوه روایت، نوآوری جالب و کم‌نظیری در این رمان کرده و چنان که خودش هم می‌گوید آن را بر اساس مشاهدات و تجربه‌های خودش در سوئد نوشته است. این اثر در فارسی با نام «یک گربه، یک مرد، یک مرگ» به چاپ رسیده است. سامی، شخصیت اصلی داستان، یک پناهنده ترک است که در در پی مشکلی پزشکی به بیمارستان می‌رود. او به شکلی تصادفی می‌فهمد که در طبقه دیگری از بیمارستان، یکی از سیاست‌مداران کهنه‌کار ترک بستری است که ظلم زیادی از او سر زده، از جمله، سامی را شکنجه کرده و دستور کشتن نامزد او را داده



عکس ز محمدحسین خلیلی‌اشکوار

این هفته، یک نمونه از عرض ارادت شاعری از قدما (ابن‌یمین) و آثاری از دو شاعر فقید و برجسته مشهدی (شفق) و زنده یاد شکوهی) و یک شاعر معاصر دیگر (برقعی) را آورده‌ایم تا صفحه فرهنگ و ادبیات این هفته نیز معطر به عطر نام علی بن موسی الرضا^(ع) شود. همه نمونه‌هایی که خواهید خواند، از شعر کلاسیک برگزیده شده است، اما در آینده خواهیم کوشید آثاری از شاعران نیامی‌سرا یا آزادسرا نیز ارائه کنیم.

- هم صحبتی دشمن دیرین جگرم را آفاق همه زیر پر رافت من بود افسوس بدین جرم شکستند پرم را آن قوم که در سایه‌ام آرام گرفتند دادند به تاراج خزان برگ و برم را بشتاب به دیدار من ای گل که به بویبت تسکین دهم آلام دل در به درم را روزم سپری شد به غم، اما گذراندم با یاد تو ای خوب، شیم را سحرم را
- سید حمیدرضا برقعی**
- ای راهب کلیسا دیگر من به ناقوس خاموش کن صدا را، نقاره می‌زند توس آیا مسیح ایران کم داده مرده را جان جانی دوباره برادر با ما بیا به یابوس آنجا که خادمیش از روی زائریش گرد سفر بگیرند با بال ناز طاووس خورشید آسمان‌ها در پیش گنبد او رنگی ندارد آری چیزی شبیه فانوس رؤیای ناتمامم ساعات در حرم بود باقی عمر اما افسوس بود و کابوس وقتی رسیدی آنجا در آن حریم زیبا زانو بز به پای بیدار خفته در طوس ...

است. سیاست‌مدار حالا سرطان گرفته و روزهای آخر عمرش را می‌گذراند. سامی به فکر کشتن او می‌افتد و به این ترتیب ماجراهایی شکل می‌گیرد. در فصل دوم فوت نوشته‌ها تغییر می‌کند و راوی هم اول شخص می‌شود و تا پایان همین تغییر فوت و راوی را داریم. در این داستان یک شخصیت ایرانی هم هست که جزو مهاجران است.

- نسل از پی نسل
- لیوانلی همچنین رمان «خانه‌لیلا» را می‌نویسد که اثری کلاسیک و قصه گو شرقی و دغدغه‌مند و خانواده‌محور است. حرف اصلی آن تغییر فرهنگ و تغییر نسل است. داستان زندگی‌زنی به‌نام لیلا را روایت می‌کند که هنرمند و تحصیل کرده است و در محله همه دوستش دارند، اما خریداران جدید خانه‌اش او را بیرون می‌کنند. لیلا با زوجی جوان روبه‌رو می‌شود و بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد.
- داستان تمثیلی جزیره
- «آخرین جزیره» دیگر اثر این نویسنده ترکیه‌ای، رمانی تمثیلی و بسیار متفاوت با بقیه آثارش است. داستان در یک لامکان و لازمان، یک جزیره، رخ می‌دهد. چهل نفر در آنجا زندگی می‌کنند و قوانینی خاص بر آن‌ها حکم فرمایت، مثلاً آن‌ها نباید بچه داشته باشند و نام هم‌رانی‌داندو با شماره پلاک، یکدیگر را می‌شناسند. زولفو لیوانلی در این رمان جامعه‌ای بدوی و ماقبل سبب است و اقتصاد را تصویر می‌کند.

- ادای دین به هم‌نیگوی
- رمان بعدی، «ماهیگیر و پسرش»، ادای دینی است به ارنست همینگوی و شروع آن یادآور کتاب «پیرمرد وریا» است. مصطفی شخصیتی عاشق همینگوی است که از ۱۰ سالگی آثار این نویسنده آمریکایی را می‌خوانده و در اتاقش عکس او را نگه می‌دارد. دریا از او پسر هفت هشت‌ساله‌اش را می‌گیرد و مصطفی و همسرش افسرده می‌شوند. یک روز که به دریا می‌رود، با بچه‌ای یکی دو ماهه روبه‌رو می‌شود که از غرق شدگان کشتی‌های پناهندگان است. او تصمیم می‌گیرد پنهانی نوزاد را پیش خود نگه دارد.
- مصائب حسین، رفیق راوی
- «بی‌قرار» رمان دیگر نویسنده، درباره یک اتفاق خیلی تلخ است که در جنگ‌های سوریه رخ داد: قتل عام کردهای ایزدی به‌دست داعش. داستان روایت‌اتفاقاتی است که برای شخصیتی به نام حسین -دوست دوران کودکی راوی- رخ می‌دهد. راوی می‌شود که حسین در آمریکا کشته شده است. او که فردی نیکوکار بوده است، در جریان کمک به یک کمپ پناهندگان، عاشق ملک‌ناز دختر ایزدی می‌شود. این عشق سبب می‌شود که مادر حسین او را طرد کند و سپس یک داعشی به او سوءقصد می‌کند که البته از آن جان سالم به در می‌برد و به آمریکا می‌رود. هر فصل کتاب را یک راوی و شخصیت داستان نقل می‌کند. آخرین رمان زولفو لیوانلی «پادها همیشه جوان هستند» هنوز به فارسی ترجمه نشده است.